

Commonalities and Differences of Mu'tazila and Neo-Etzel interpretive bases in Quranic interpretations

Abstract

Reason is the main basis of Mu'tazili interpretation, and based on this, verses whose appearances are in conflict with the ruling of reason are analyzed. Mu'tazila considers reason as the first basis for understanding Sharia and Sharia as subordinate to it. Mu'tazila considers reason as the first basis for understanding Sharia and Sharia as subordinate to it. Neo-Mu'tazila ideas are rooted in the opinions of the first Mu'tazila thinkers in the early Islamic centuries, and they believe that due to the fluidity and history of the text of the Qur'an, its ideas can be modernized and, in fact, secularized and secularized. As a result, secularism can be inferred to mean the separation of religion from the government and not from politics in the ideas of the neo-Mutazilians. As a result, secularism can be inferred to mean the separation of religion from the government and not from politics in the ideas of the neo-Mutazilians. The present research examines the interpretive foundations of Mu'tazila and New 'Itzal, their differences and similarities, and their performance in the field of interpretation with the method of analyzing and reviewing existing works. The traditional and new Mu'tazila have turned to interpretations regarding the freedom of man in his actions, God's dispensation from incarnation and evil, rejection of superstitions and myths, and denial of intercession, and at the same time, they have been caught in a kind of extremism in intellectual interpretations.

Key words: interpretive foundations, Mu'tazilah, Nomu'tazilah, interpretation.

اشتراک و اختلاف مبانی تفسیری معتزله و اعتزال نو در تأویلات قرآن

چکیده:

عقل، مبنای اصلی تفسیر معتزلی است و بر این اساس آیاتی که ظواهر آنها با حکم عقل در تعارض باشند، تحلیل میشوند. معتزله عقل را مبنای اول برای فهم شریعت و شرع را تابع آن میدانند. اندیشه های نومعتزله ریشه در آرای اندیشمندان نخست معتزله در قرون اولیه اسلامی دارد و معتقدند با توجه به سیالیت و تاریخمند بودن نص قرآن میتوان اندیشه های آنرا روزآمد نمود و در واقع به دنیوی و عرفی کردن امور دینی پرداخت. در نتیجه در کنه اندیشه های نومعتزلیان سکولاریسم را به معنای جدایی دین از حکومت و نه سیاست میتوان استنباط نمود. تحقیق حاضر با روش تحلیل و بررسی آثار موجود، مبانی تفسیری معتزله و اعتزال نو، تفاوت‌ها و تشابه‌ها و عملکرد آنان در باب تأویل را بررسی می‌کند. معتزله سنتی و نو در باب آزادی انسان در افعال خویش، تنزیه خداوند از تجسیم و شرور، ردّ خرافات و اساطیر و انکار شفاعت به تأویلات روی آورده‌اند و در عین حال به نوعی افراط‌گیری در تأویلات عقلی گرفتار آمده‌اند.

کلید واژه: مبانی تفسیری، معتزله، نومعتزله، تأویل .

مقدمه:

مسلمانان پس از رحلت پیامبر(ص) به تفرقه و اختلاف دچار گشتند. این اختلافات آرام آرام بیشتر شد و مذاهب و نحله‌هایی از آن برآمد که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آنها عبارتند از: شیعه، اهل سنت، معتزله، مرجئه و خوارج، که فرقه‌های دیگر، بیشتر از همین پنج فرقه منشعب گردیده‌اند. (ذهبی، ۱۳۹۶، ۳۳۶/۱؛ نیز نک: شهرستانی، ۱۳۶۲، ص ۳۱-۱۹) در قرن دوم هجری با ظهور معتزله به تدریج استفاده از رأی و نظر در کنار نقل روایات در تفسیر آغاز شد و عده‌ای با اجتهادات و نظرات علمی خود به تفسیر قرآن پرداختند و سعی کردند، مباحث استدلالی توحید و عدل و سایر آنها را مثل نبوت از طریق عقل بفهمند. می‌توان گفت که انگیزه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قومی در پیدایش این فرقه‌ها دخالت داشته است. (ابوزید، ۱۹۹۸، ص ۱۲) دیدگاه معتزله درباره تفسیر قرآن و حدیث از آغاز براساس خردگرایی استوار بوده و رسالت تفسیر در نظر آنان تأویل آیاتی بوده است که با اصول خردگرایی آنان همخوانی نداشته باشد (صاوی جویی، ۱۳۸۷، ۱۴۳-۱۴۴) و سعی می‌کنند، مباحث استدلالی توحید و عدل و سایر آنها را مثل نبوت از طریق عقل بفهمند.

معتزله، پس از یک دوره اقتدار از قرن سوم تا پنجم هجری به دست اصولگرایان شکست خوردند و نشر دیدگاه‌های آنها ممنوع شد. توقیف فعالیت‌های معتزله، به معنای از بین رفتن اندیشه‌های آنها نبود؛ بلکه تفکرات اعتزالی و تأثیر آن بر اندیشه‌های اسلامی همچنان در تالیفات مسلمانان فرق مختلف در دوره‌های بعد قابل دستیابی است. تفکر معتزله با ظهور جریانی عقل‌گرایانه در قرن چهاردهم ظهور مجدد یافت که معتزلیان جدید یا نو معتزله نامیده شدند. این جریان فکری می‌خواهد اسلام را به عنوان تنها راه نجات بخش معرفی کند و با نگاه جدید به دین به آن کارکرد نوینی ببخشد، تا به این وسیله بر مشکلات و چالش‌های جهان معاصر فائق آید. مسائلی مانند استعمار کشورهای اسلامی، فراگیری موج مدرنیته، شبهات مستشرقان و رویارویی مسلمانان با کشورهای غربی استعمارگر، سبب آگاهی آنان از تحولات و پیشرفت‌های گسترده علمی سیاسی و اجتماعی کشورهای غربی شد و پرسش‌های گوناگونی را در عرصه‌های مختلف، پیش روی متفکران مسلمان قرار داد. از مهمترین مبانی معتزله در تفسیر تأویلگرایی آنها و ترجیح عقل بر ظواهر نصوص می‌باشد.

تحقیق پیش‌رو با تحلیل و بررسی به روش کتابخانه‌ای از آثار موجود از قرن دوم هجری تا به امروز، سعی دارد بحث خود را با توجه به موضوع در سه بخش ارائه کند:

۱- تاریخ پیدایش معتزله و نو معتزله با رویکرد عقلگرایی؛

۲- معرفی برخی مفسرین معتزلی و نو معتزلی؛

۳- نمونه‌هایی از اختلاف مبانی تفسیری معتزله و نو معتزله در تفسیر قرآن.

جستار:

مبانی تفسیر قرآن در این جستار به آن دسته از پیش‌فرض‌ها و باورهای اعتقادی - علمی و پیش‌انگاره‌های نظری گفته می‌شود که فرایند تفسیر را ممکن ساخته و سامان می‌دهد و مفسر براساس آنها به تفسیر قرآن می‌پردازد. بررسی روشها و گرایشهای تفسیری از دیرباز موردتوجه پژوهشگران بوده است. در قرن دوم هجری با ظهور معتزله به تدریج استفاده از رأی و نظر در کنار نقل روایات در تفسیر آغاز شد و عده‌ای با اجتهادات و نظرات علمی خود به تفسیر قرآن پرداختند. هرچند در ابتدا این نظرات محدود به بیان معنای لغت و سبب نزول بود، اما به تدریج با پیدایش علوم متعدد هرکس با استفاده از تخصص خود به تفسیر روی می‌آورد که نتیجه آن ظهور گرایشها و مکاتب تفسیری متعدد ادبی، نحوی، روایی، فقهی، عقلی - کلامی، عرفانی و غیره بود. مکتب تفسیری معتزله نسبت به سایر مکاتب تفسیری در گسترش استفاده از عقل و اندیشه نقش برجسته‌تری داشته است؛ از این رو بازشناسی تأویلات گسترده عقلی و ادبی آنها و استفاده از انواع مجاز، شناخت مبانی و اصول تفسیری آنها را ضروری می‌نماید.

۱- پیدایش معتزله و نومعتزله:

صاحب‌نظران آغاز کار معتزله را اغلب اوایل قرن دوم می‌دانند. (زه‌دی، ۱۳۷۶، ص ۲ - ۱؛ عبدالرزاق، ۱۳۸۱، ۳۷/۲). اکثر پژوهشگران ظهور معتزله را به جدایی واصل بن عطا از مجلس درس حسن بصری به خاطر اختلاف در حکم مرتکب کبیره دانسته‌اند. (1/116، 1362)

اعتزال در میان نحله‌های فکری یکی از تأثیرگذارترین و مهم‌ترین‌ها بوده است. اعتزال در بصره متولد شد و به سرعت در عراق منتشر گردید. در دوره عباسیان کار معتزله بالا گرفت و علمای معتزله در چشم مردم، بزرگ جلوه نمودند. از عواملی که باعث رشد و گسترش و تفوق معتزله گردید، رویکرد عقلانی و شیوه آنان در اتکاء به منطق و استدلال بود. انگیزه‌ها و هدف‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و قومی و عملکرد بد برخی از خلفاء و حاکمان بنی‌امیه از دیگر عوامل این امر به شمار می‌رود. (عبدالرزاق، ۱۳۸۱، صص ۳۳۱، ۳۲۱). مصطفی عبدالرزاق قدرت و انگیزه سیاسی را مهم‌ترین عامل در شکوفایی و افول معتزله می‌داند. (همان، ص ۳۳۱) برخی معتقدند که اعتزال به پشتوانه آل بویه نهضت بزرگ خویش را به دست قاضی عبدالجبار و جبائیه که منسوب به او می‌باشند، بنیان گذاشت. (زرزور، بی‌تا، ص ۳۶ به استناد خطط مقریزی، بی‌تا، ۳۵۸/۲) و بعدها مسلمانان با تضعیف معتزله، ضرر جبران‌ناپذیری دیدند. (سبحانی، بی‌تا، ص ۱۸۰ - ۱۷۸ با استناد به رساله الاسلام، احمد امین، شماره ۳). زیرا این گروه فکری در دوره‌ای طولانی از تاریخ (۱۰۰ تا ۳۰۰ هـ) فضایی از نشاط فکری را در قلمرو جهان اسلام به وجود آورده بودند. (ذهبی، همان؛ عبدالرزاق، همان، ص ۳۱۹) و نقش مثبت و سازنده غیر قابل انکاری داشته‌اند. اصول پنج‌گانه توحید، عدل، وعد و وعید، منزله بین‌المنزلیتن و امر به معروف و نهی از منکر که اساس اندیشه معتزلی است، در درون خود مسائل مهمی از اعتقادات معتزله را جای داده است که به گونه‌ای تفسیر این اصول پنج‌گانه‌اند. مهمترین این اعتقادات عبارت‌اند از: نفی رؤیت خداوند، عینیت صفات و ذات خداوند، حادث بودن قرآن، آزادی انسان در افعال، حسن و قبح عقلی، نفی تشبیه و تجسیم خداوند، نفی هرگونه ظلم از خداوند، عدم بخشش مرتکب کبیره بدون توبه، وجوب عقاب بر معصیت و ثواب بر

طاعت، انکار سحر، انکار رؤیت جن و تأثیر آن، انکار کرامت اولیاء و خرافه دانستن بعضی از این اعتقادات. (نک: قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲، ۲۰۸، ۲۴۱) یکی از زمینه های پیدایش تفکر اعتزالی وجود اختلافات عقیدتی و سیاسی در جامعه مسلمان بود. تفکر اعتزالی در پی این بود که با برطرف نمودن اختلافات مذاهب مختلف اسلامی، رویکردی معتدل در عقاید و آموزه های دینی ایجاد نماید؛ رویکردی که از تفریط مرجئی و افراط خوارجی در امان بوده و از سویی مانع سوء استفاده برخی فرصت طلبان از آموزه هایی چون جبرگرایی در جامعه اسلامی شود. چنانکه می دانیم روحیه تکفیری خوارج از سویی و روحیه ظلم پذیری مرجئه و مجبره، هر یک به نحوی در انحطاط مسلمانان مؤثر بوده است. این نوع افراط و تفریط ها همواره در طول تاریخ وجود داشته و توفیق استعمار و استضعاف مسلمانان، خود حاکی از این حقیقت است.

شهید مطهری درباره معتزله گوید: «معتزله هرگز به سنت بی اعتنا نبودند و عملاً از اشاعره نسبت به اسلام، دلسوزتر و پایبندتر و فداکارتر بودند.» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۷) دو رویکرد در عالم اسلام پدید آمد. برخی مانند سیداحمدخان هندی (۱۳۱۶-۱۲۳۲ق) تحت تأثیر جاذبه های صنعتی و مادی غرب، راه حل آشتی دین و مدرنیته و خروج مسلمانان از انحطاط را تأویل آموزه های اسلامی دانستند. او در تفسیر ناتمام خود به نام «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» برخی مفاهیم چون ملک و جن و روح الامین و وحی و معجزات و بهشت و جهنم را بر مبنای پوزیتیویسم رایج در غرب تفسیر نمود. در مقابل، جریان دیگری به مقاومت در برابر سیاست ها و تهاجمات استعمار غربی به اسلام و مسلمانان پرداخت. حرکت سیدجمال الدین (۱۳۱۴-۱۲۵۴ق) و محمدعبد (۱۳۲۳-۱۲۶۶ق) از این دست بود. (محمد البهی، ۱۳۸۴، ص ۱۰-۲۴)

جریان فکری نومعتزله، یکی از گرایش های کلامی برجسته در جهان اسلام است. از ظهور این جریان، نزدیک به دو قرن می گذرد. اندیشمندان نومعتزلی همانند اسلاف معتزلی خود در زمینه های گوناگون علوم اسلامی -به ویژه مباحث کلامی- نظریه پردازی کرده اند و در این زمینه علاوه بر مبانی معتزله، از روش های جدیدی که در علوم انسانی غربی مطرح شده است، بهره برده اند؛ از این رو دیدگاه های آنان در مواردی باعث جنجال و چالش های فکری در جهان اسلام شده و سیلی از اعتراضات را متوجه آنها ساخته است. با توجه به اهمیت این جریان فکری و نفوذ روزافزون آن در جهان اسلام و چالش هایی که به وجود آورده است، نومعتزله که به نوعی احیاگر تفکر معتزلی در دو قرن اخیر محسوب می شود، دارای شباهت ها و نیز تمایزاتی با جریان تاریخی معتزله است. و علت پیدایش نومعتزله رویارویی مسلمانان با کشورهای غربی استعمارگر، سبب آگاهی آنان از تحولات و پیشرفت های گسترده علمی، سیاسی و اجتماعی کشورهای غربی شد و پرسش های گوناگونی را در عرصه های مختلف، پیش روی متفکران مسلمان قرار داد. یکی از این پرسش ها این بود که علت پیشرفت غرب و عقب ماندگی مسلمانان چیست؟ پاسخ به شبهات مستشرقان درمورد معرفی اسلام به عنوان عامل عقب ماندگی مسلمانان؛ و بازسازی اندیشه اسلامی با احیای آرای معتزله به منظور ایجاد تحول در جامعه اسلامی سبب پیدایش نومعتزله شد.

35- Tantawi, Johri, Al-Jawahir fi al-Tafseer al-Qur'an al-Karimf Dar al-Ahya al-Trath Al-Arabi, 1412.

36- Tousi, Muhammad bin Hassan, Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, research and correction by Ahmad Habib Qasir Al-Amili, Beirut, Beta.

37- Abdul Razzaq, Mustafa, The History of Islamic Philosophy, Fath Ali Akbari, Question, Bija, 2014.

38- Abdo, Muhammad, Al-Amaal al-Kamalah for Muhammad Abdo, collected by Muhammad Amara, Beirut, Dar al-Sharouq, 1414, vol.2.

39- -----, and Manhaja fi Darasa al-Aqeedah, published in Islam, 11/12/2005

40- Adalatnejad, Saeed, criticisms and reviews about Nasr Hamed Abu Zaid, Mashak Morooz, Tehran, 1380.

41- Elmi, Mohammad Jafar, review and criticism of Fazlur Rahman's theory in rebuilding ijtihad in religion, Political Science, No. 37.

42 - Amara, Muhammad, Islam and Philosophy of Wisdom, Cairo, Dar al-Sharooq, 1409 AH, p. 582.

43- Farastkhah, Maqsood, The beginning of new religious thought, third edition, published, Bija, 1377, p. 164.

44- Qasim al-Rassa, Letters of Justice and Tawheed, Research by Muhammad Ammar, Dar Al-Hilal, 1971.

45- Qazi Abdul Jabbar, Al-Maniya and Al-Amal, Juma Ahmad bin Yahya al-Mortazi, Research by Essam al-Din Muhammad Ali, Beta.

46-----, Imad al-Din Nabi al-Hassan, Tanzih al-Qur'an Anal al-Mata'an, Cairo, Al-Azhariyya School of Heritage, 2006.

47- ----- Sharh Asul Khamsa, Beirut, Darahiya al-trarat al-Arabi, 1422 AH. -

48----- Al-Musabah al-Qur'an, Cairo, Al-Tarath School, Bit.

- 49- -----, Al-Mughni Fi Abuab al-Tawheed and Al-Adl, Cairo, Al-Dar al-Masriya, 1965
- 50- Martin, Richard, The historical course of the idea of miracles of the Qur'an, Ali Aghaei, Qur'anic researches, 14th year .
- 51- Mohagheq Mahdi, twenty discourses on scientific, philosophical and theological topics, Tehran, 1363.
- 52- Mustafa Abdul Razzaq, The History of Islamic Philosophy, translated by Fath Ali Akbari, Abadan, 2013.
- 53- Motahari - Morteza: Adl Elahi, Tehran and Qom, Sadra, 1374.
- 54- ----- Collection of works, Tehran, Sadra, Bita, vol. 16, p. 382.
- 55- Marafet, Mohammad Hadi, Criticism of Doubts About the Qur'an, Ch. 1, Qom, Tamhid Cultural Institute, 1388
- 56- Moghrizi, Taqi al-Din Ahmed Bin Ali, Al-Maoaz and Al-Sahaab in Remembrance of Al-Shaqar and Al-Akhtar, Beirut, Beta.
- 57- The article "The flow of Etzal Nou", Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought, 2013.
- 58- Molhami Khwarazmi, Ruknuddin, Al-Faiq fi Usuluddin, Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran, 1400
- 59- -----, Islam and Revelation of Prophethood, Aftab Monthly, Winter 2013.
- 60- Wasfi, Mohammad Reza, Nomu'tazilian, Naghah Maaser, Tehran, 2017.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن سلیمان، مقاتل، الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم، محمد روحانی، محمد علوی مقدم تهرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۳- ابن عاشور، اصول النظام الاجتماعی فی الاسلام، تونس، الشركه التونسیه للتوزیع، چاپ دوم، ۱۹۸۵، صص ۴۵-۲۶۶.

- ۴- ابو زید، نصر حامد، الاتجاه العقلي في التفسير، دراسة في قضية المجاز في القرآن عند المعتزلة، ۱۹۹۸ق.
- ۵- -----، رهیافت ادبی به قرآن: پیشینه نتایج و دشواریها، مهرداد عباسی، آیین و پژوهش، ۱۳۹۲.
- ۶- -----، نقد گفتمان دینی، حسن یوسفی اشکوری، محمد جواهر کلام، یادآوران، تهران، ۱۳۸۳.
- ۷- -----، معنای متن پژوهی در علوم قرآن، مرتضی کرمی نیا، طرح نو، تهران، ۱۳۸۹.
- ۸- -----، فلسفه التأویل، المركز الثقافي العربی، بیروت، ۱۹۹۶.
- ۹- -----، رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن، پژوهشی در مسأله مجاز در قرآن از نظر معتزله، احسان موسوی خلخالی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۷.
- ۱۰- اسعدی، محمد، آسیب شناسی جریان های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ج ۱ و ۲، ۱۴۰۱.
- ۱۱- اشعری، الامام ابوالحسن علی بن اسماعیل، الابانه فی اصول الدیانة، دارالکتب العربیة، بیروت، ۱۴۱۰.
- ۱۲- اشمیتکه، زاییه، خرد گرایی کلامی در دوران میانی جهان اسلام، حمید عطایی نظری، آیین پژوهش، سال ۲۲، ش ۶.
- ۱۳- البنا، جمال، تجدید الاسلام و اعاده تأسیس منظومه المعرفة الاسلامیة، دارالفکر الاسلامیة، قاهره، بی تا.
- ۱۴- الهی بخش، خادم حسین، القرآن یون و شبهاتهم حول السنه، مکتبه الصدیق، ۱۴۰۹ق.
- ۱۵- البهی، محمد، الفکر الاسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی، قاهره، مکتبه وهبه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ق.
- ۱۶- امین، احمد، ضحی الاسلام، قاهره، مکتبه النهضة المصریة، چاپ هفتم، ۱۹۶۴م، ج ۳، ص ۲۰۷.
- ۱۷- پژوهش نامه ثقلین، تشابه ها و تفاوت های معتزله و نو معتزله در رهیافت ادبی به قرآن، دوره ۱، ش ۳، پاییز ۹۳.
- ۱۸- پژوهش نامه معارف قرآنی، تحلیل و نقد بنیان های اندیشه نو اعتزالی در نظریه تفسیری امین خولی، طیب حسینی و همکاران، سال دهم ۴۳.
- ۱۹- حسینی افغانی، سید جمال الدین و محمد عبده، العروه الوثقی، اعداد و تقدیم: سیدهادی خسروشاهی، قاهره، مکتبه الشروق الدولیه، ۱۴۲۳ق، ص ۱۶۰.
- ۲۰- حنفی، حسن، من العقیده الی الثوره، بیروت، دار التنویر للطباعه و النشر، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۲۶.
- ۲۱- -----، از نقد سند تا نقد متن، علوم حدیث، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.
- ۲۲- ذهبی، ابو عبدالله، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر أعلام النبلاء، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- ۲۳- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ج ۱ و ۲، بیروت، ۱۳۹۶.
- ۲۴- رشید رضا، التفسیر القرآن الحکیم الشہید بالتفسیر المنار، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۴.
- ۲۵- زر زور، محمد عدنان، الحاکم الجشمی و منهجه فی التفسیر، بی تا، بی جا.
- ۲۶- زمخشری، ابو القاسم جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- ۲۷- زهدی، جار الله، المعتزله، قاهره، ۱۳۶۶ق. حسنی، هاشم معروف، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، ترجمه محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۲۸- سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، مؤسسه الامام الصادق، بی تا، ج ۳ و ۶.

- ۲۹- -----، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، انتشارات توحید، قم، ج ۴، ۱۳۷۱،
- ۳۰- سیوطی، طبقات المفسرین، دارالمکتبه العلمیه، بیروت، بی تا.
- ۳۱- شریف المرتضی، الأمالی، قم، ۱۴۰۳ق.
- ۳۲- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی (توضیح الملل)، تحقیق و تصحیح سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران، اقبال، ۱۳۶۲ ش.
- ۳۳- صاوی جوینی، مصطفی، شیوه های تفسیری قرآن کریم، ترجمه موسی دانش، حبیب روحانی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۳۴- طباطبایی، المیزان فی التفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه های علمیه، قم، ج ۱.
- ۳۵- طنطاوی، جوهری، الجواهر فی التفسیر القرآن الکریمف دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲.
- ۳۶- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، بی تا.
- ۳۷- عبدالرزاق، مصطفی، زمینه تاریخ فلسفه اسلامی، فتحعلی اکبری، پرسش، بی جا، ۱۳۸۴.
- ۳۸- عبده، محمد، الاعمال الکامله لمحمد عبده، جمع آوری محمد عماره، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۴، ج ۲.
- ۳۹- -----، و منهجه فی دراسه العقیده، نشر یافته در اسلام، ۲۰۰۵/۱۲/۱۱.
- ۴۰- عدالت نژاد، سعید، نقد و بررسی هایی درباره نصر حامد ابوزید، مشق امروز، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴۱- علمی، محمد جعفر، بررسی و نقد نظریه فضل الرحمن در بازسازی اجتهاد در دین، علوم سیاسی، ش ۳۷.
- ۴۲- عماره، محمد، الاسلام و فلسفه الحکم، قاهره، دار الشروق، ۱۴۰۹ق، ص ۵۸۲.
- ۴۳- فراستخواه، مقصود، سرآغاز نواندیشی دینی، چاپ سوم، انتشار، بی جا، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۴.
- ۴۴- قاسم الرس، رسائل العدل و التوحید، تحقیق محمد عمار، دارالهلال، ۱۹۷۱.
- ۴۵- قاضی عبدالجبار، المنیة و الامل، جمعه احمد بن یحیی المرتضی، تحقیق عصام الدین محمدعلی، بی تا.
- ۴۶- -----، عمادالدین ابی الحسن، تنزیه القرآن عن المطاعن، القاهرة، المکتبة الازهریة للتراث، ۲۰۰۶ م.
- ۴۷- -----، شرح اصول خمسہ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- ۴۸- -----، المتشابه القرآن، قاهره، مکتب التراث، بی تا.
- ۴۹- -----، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، قاهره، الدار المصریہ، ۱۹۶۵.
- ۵۰- -- مارتین، ریچارد، سیر تاریخی اندیشه اعجاز قرآن، علی آقایی، پژوهش های قرآنی، سال چهاردهم.
- ۵۱- محقق مهدی، بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ۵۲- مصطفی عبدالرزاق، زمینه تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، آبادان، ۱۳۸۱ش.
- ۵۳- مطهری - مرتضی: عدل الهی، تهران و قم، صدرا، ۱۳۷۴.
- ۵۴- ----- مجموعه آثار، تهران، صدرا، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۸۲.
- ۵۵- معرفت، محمد هادی، نقد شبهات پیرامون قرآن، ج ۱، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۸.
- ۵۶- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، بیروت، بی تا.

- ۵۷- مقاله « جریان شناسی اعتزال نو، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.
- ۵۸- ملاحمی خوارزمی، رکن الدین، الفائق فی اصول الدین، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۰
- ۵۹- -----، اسلام و وحی نبوت، ماهنامه آفتاب، زمستان ۱۳۸۰.
- ۶۰- صفی، محمدرضا، نومعتزلیان، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۷.